

**حق الناس از نظر اسلام با عدالت و حکمت الهی رابطه ای تنگ تنگ دارد و دارای گستره وسیعی می باشد. به عبارتی حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می توان گفت که بابتی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر اینکه مسایل فراوانی در زمینه حق الناس وجود دارد.**



حق الناس در منابع و متون اسلامی، چه در قرآن و چه در روایات معصومین - علیهم السلام - و کتب فقهی جایگاه خاصی دارد. اقامه قسط و عدل و برقراری عدالت اجتماعی و ادای حقوق الناس یکی از عمده ترین اهداف بعثت پیامبران است.

در اینجا چون صاحب حق مردم اند، رعایت و نادیده گرفتن آن ارتباط مستقیمی با بحث عدالت خداوند دارد. خداوندی که یکی از صفاتش عادل بودن است و دینی که یکی از اصولش عدل است چگونه ممکن است حقوق انسانها برایش کم اهمیت باشد. در دین اسلام حق انسانها از جهتی شاید از حق خداوند نیز مهمتر لحاظ شود بطوری که خداوند ممکن است در روز قیامت از حق خود بگذرد اما هیچ گاه از حق انسانهای دیگر نخواهد گذشت. البته باید توجه داشت که حق الناس حق الله هم هست، زیرا هیچ کس جز خدا اصلنا و ذاتا حقی ندارد و حقوق مردم از جانب خدا تعیین شده و تزییع آن مخالفت با حکم و حق الهی تعیین شده در حق دیگران است.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید، آیه ۲۵) : ( ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل نازل کردم تا مردم قیام به عدالت کنند (و احقاق حقوق و بسط عدل و داد به طور خود جوش از درون جامعه بشری آشکار شود).

این نشان از آن دارد که احترام به حقوق دیگران و ادای آن یکی از اساسی ترین اهداف ادیان آسمانی است. قرآن کریم در آیات بسیاری مؤمنان را چه در باب مسائل اقتصادی و چه در باب حقوق اجتماعی و... دعوت به احترام به حقوق مردم نموده است. در اینجا تنها به دو نمونه از این آیات اشاره می نمایم.

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»؛ **ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را از طرق نامشروع و غلط و باطل نخورید**» (نساء، ۲۹)؛ یعنی، هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده است.

در دیدگاه اسلامی، مال و دارایی مؤمن و گاهی اموال دیگران محترم است و مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن مجاز نیست. بنابراین، اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریبکاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی خورده باشد، باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا باز پس دادن آن مال اقدام نماید

قرآن کریم، به هنگام نکوهش از قوم یهود و ذکر اعمال زشت آنان می فرماید: «...وَأَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...» (همان، ۱۶۱) : **آنان در اموال مردم بدون مجوز و به ناحق تصرف می کردند**. ناگفته پیداست که مراد از اکل و خوردن، در این آیه کنایه از هرگونه تصرف است خواه به صورت خوردن معمولی باشد یا پوشیدن و یا سکونت و یا غیر آن و چنین تعبیری در زبان فارسی نیز رایج است.

بنابراین، هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، رشوه، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آنها نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، در تحت این قانون کلی قرار دارند.

در کتب روایی نیز توجه فراوانی به حق الناس شده است. به طوری که اگر تمام روایات مربوطه جمع بندی شود، چندین جلد کتاب خواهد شد. اما در اینجا به چند نمونه از روایات اشاره می شود.

حضرت علی - علیه السلام - می فرماید: «أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛ **اما ظلمی که بخشوده نمی شود ظلمی است که بعضی از بندگان خدا بر بعض دیگر می کنند**». نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

و در روایت دیگری آن حضرت حتی ادای حق الناس را از حق الله مهمتر دانسته و می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً عَلَى حُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ؛ **خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار داده و کسی که حقوق بندگان را رعایت کند حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد**». محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۴۸۰)

## حدود و موارد حق الناس

باید گفت بر اساس آیات و روایات اسلامی، مردم و مؤمنان دارای سه نوع حق و احترام می باشند.

### 1- احترام به مال مردم

در دیدگاه اسلامی، مال و دارایی مؤمن و گاهی اموال دیگران محترم است و مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن مجاز نیست. بنابراین، اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریبکاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی خورده باشد، باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا باز پس دادن آن مال اقدام نماید.

### 2- احترام به جان مردم

جان مسلمان از نظر اسلام حرمت خاصی دارد بنابراین هیچ کس نمی تواند به جان مسلمان، لطمه ای از قبیل ضرب و جرح وارد آورد یا با دادن غذای فاسد و مسموم و یا اعتیاد به مواد مخدر و یا هر چیز دیگری، سلامتی کسی را به خطر اندازد. بنابراین احترام به جان و بدن و سلامتی افراد، تا آن حد مورد اهمیت و مواخذه است که حتی خداوند هم از آن صرف نظر نمی کند! امام علی - علیه السلام - فرمود: **خداوند می فرماید: «به عزت و جلال**



خودم سوگند، از ظلم هیچ ظالمی نخواهم گذشت، اگر چه به اندازه دست بر دست زدنی باشد، یا با فشار دادن دستی از روی ستم، محقق شده باشد». (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹)

علاوه بر احترام و حرمت جسم و بدن دیگران، انسان نمی‌تواند با ترساندن و اندوهگین ساختن، آزرده و خلاصه هر گونه ضربه به اعصاب و روان دیگران موجبات ناراحتی آنان را فراهم نماید، در غیر این صورت باید همه ضربه‌ها و خسارت‌های وارده را جبران نماید. و اگر چنین نکند، در دنیا و آخرت کیفر کردار ناروای خویش را خواهد دید.

### 3- حفظ آبروی دیگران و احترام به آن

عرض و آبروی افراد هم، دارای حرمت و مصونیت فوق العاده‌ای است و از موارد حق الناس به شمار می‌آید. بنابراین انسان نمی‌تواند به وسیله غیبت، تهمت، افشاکاری و هرگونه رفتار دیگری، به آبرو و حیثیت دیگری ضربه و آسیبی وارد نماید، زیرا در غیر این صورت مرتکب ظلم بزرگی در حق او شده که باید به جبران آن پردازد. چنان که امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «من کسّر مؤمناً فَعَلَيْهِ جَبْرَةٌ؛ هر کس حیثیت مؤمنی را بشکند، بر او واجب است که آن را جبران نماید». (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۵۱)

اگر خدا از حق محض خود بگذرد از لطف اوست، اما در مورد حق الناس پای دیگری در میان است و اگر او نگذرد، بدون احقاق حق عدالت اجرا نشده است

#### نتیجه گیری:

حاصل آن که، حق الناس از نظر اسلام با عدالت و حکمت الهی رابطه ای تنگاتنگ دارد و دارای گستره وسیعی می‌باشد. به عبارتی حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می‌توان گفت که بابتی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر اینکه مسایل فراوانی در زمینه حق الناس وجود دارد. پس باید دانست که جامعه بر عهده هر يك از اعضای خود حقوقی دارد که همگی به احترام و ادای آن موظفند و عمل به آنچه آدمی، خود انتظار انجام آن را از دیگران دارد، پایین‌ترین درجه آن است. چنان که از امام صادق - علیه السلام - درباره حق مؤمن بر مؤمن سؤال شد، آن حضرت فرمود: «... أَيْسَرُ حَقِّ مِئْهَا أَنْ تُحِبَّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ...؛ کمترین میزان حقوق برادرت بر تو آن است که آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای او نیز دوست بداری و آنچه را برای خودت نمی‌پسندی، برای او نپسندی». (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۴). و در جای دیگری می‌فرمایند: «أَوْلَى قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كِفَارَةٌ لِدُنُوبِهِ إِلَّا الدِّينَ فَإِنَّ كِفَارَتَهُ قَضَائِهِ» : «اولین قطره خون شهید، کفاره گناهان او است؛ مگر بدهکاری که کفاره آن ادای آن است» (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۳۶۸۸)

#### نتیجه

آنکه اگر خدا از حق محض خود بگذرد از لطف اوست، اما در مورد حق الناس پای دیگری در میان است و اگر او نگذرد، بدون احقاق حق عدالت اجرا نشده است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. اکبری، محمود، نگاهی به حق الناس، چاپ اول، قم، کتاب آشنا، ۱۳۶۸.

2. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، چاپ بیستم، (بی‌جا)، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

### بخش اخلاق و عرفان اسلامی تیبان